

## نقش حضور امام رضا<sup>(ع)</sup> در گسترش تحولات فرهنگی و آزاداندیشی مرو\*

امیر اکبری\*\*

### چکیده

بررسی و تحلیل پیامدهای حضور امام رضا<sup>(ع)</sup> در خراسان از ابعاد گوناگون درخور توجه است. حضور با برکت امام در خراسان با تأثیرهای مهم اجتماعی - سیاسی و به‌خصوص فکری و فرهنگی همراه بود. شاید در کنار بررسی عوامل گوناگون عزیمت امام به خراسان و نیز تأثیر و اهمیت نقش ولایتعهدی امام، محققان کمتر به نقش فرهنگی و فضای علمی عصر امام پرداخته‌اند. از این رو، تأثیر حضور امام به لحاظ فرهنگی و تأثیری که در آزاداندیشی علمی مرو از خود برجای گذاشته‌اند، سؤال اصلی این نوشتار است. در این نوشتار تلاش شده با تبیین جایگاه مرو در دوره‌های گذشته به سابقه علمی و فرهنگی ام‌القرای خراسان پرداخته شود. شناخت این موقعیت به همراه توسعه علمی و فضای آزاداندیشی مرو بهترین فرصت برای امام رضا<sup>(ع)</sup> بود تا با ابراز عقاید و دیدگاه‌های محکم شیعی، نقش فرهنگی خود را در هدایت جامعه اسلامی تبیین کنند. ایجاد فضای علمی و اعتقادی آزاد در مرو برای اولین بار در تاریخ حکومت عباسیان (۱۳۲ تا ۶۵۶ ق) نشان داد که چگونه اندیشه‌ها و تعالیم شیعی می‌تواند بر مبنای استنادلال و منطق، برتری خود را در مقایسه با دیگر مکاتب فکری و فقهی ثابت کند.

### واژگان کلیدی

امام رضا<sup>(ع)</sup>، مرو، تولید علم، مناظره‌ها، آزاداندیشی، مأمون، خراسان

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۳/۱۷

\* این مقاله برگرفته شده از طرح پژوهشی است که در دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد به اتمام رسیده است.

Amirakbari84@yahoo.com

\*\* استادیار تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد

## ❖ مقدمه

سال اول، شماره اول، شماره مسلسل ۱، بهار ۱۳۹۲

حضور امام رضا<sup>(ع)</sup> در خراسان با تحولات بزرگ فرهنگی - اجتماعی همراه بود. مرو، مرکز اداره خراسان بزرگ، اگرچه در درازنای تاریخ خود با تحولاتی عمده سیاسی - اجتماعی روبرو بوده، مسئله حضور امام رضا<sup>(ع)</sup> و نقشی که ایشان از نظر دگرگونی فکری و آزاداندیشی دینی در مرو ایفا کردند، یکی از مقوله‌هایی است که کمتر به آن پرداخته شده و از ابعاد گوناگون درخور بررسی و تأمل است.

در این مقاله تلاش می‌شود حضور امام رضا<sup>(ع)</sup> در مرو (در سال‌های ۲۰۱ تا ۲۰۳ ق) تحلیل و بررسی شود. یکی از فرضیه‌های درخور توجه این است که شاید بسیاری از رخدادها در مرو چندان اهمیت و جذابیتی نداشته باشد، اما حضور امام و شرایط فرهنگی و اعتقادی - که با حضور بسیاری از دانشمندان و علمای ادیان بزرگ برای اظهار نظر و بیان عقاید خود در مرو فراهم شده بود - در تاریخ بی‌نظیر بوده و مهم‌ترین اقدام عصر امامت علی‌بن موسی به‌شمار می‌رود.

تاریخ خلافت اموی و عباسی گواهی می‌دهد که سرزمین‌های بزرگ امپراتوری از غرب تا شرق چنین فضای فرهنگی را تجربه نکرده بود؛ فضایی که حاکمیت سیاسی نیز از رونق آن بر مبنای سیاستی خاص بهره‌مند بود. در این میان مأموریت مهم برای دفاع از دین اسلام در مقابل ادیان دیگر و نیز اظهار حقانیت شیعه در اجتماع سنی آن دوران بر عهده امام رضا<sup>(ع)</sup> بود. تأثیر رفتاری و کلامی امام به همراه نقش ایشان در برخورد با مناظره‌های علمی و همچنین حضور در میان مردم مرو چنان شیفتگی در اذهان جامعه نسبت به امام به وجود آورده بود که خود از ابعاد گوناگون فرهنگی درخور تأمل است. در این نوشتار، عصر حضور امام در مرو به مثابه عصر طلایی فرهنگی مرو و دوران تحول و تکامل این شهر به‌عنوان پایتخت جهان اسلام بررسی می‌شود.

### جایگاه و موقعیت شهر مرو از آغاز تا حضور مأمون در این شهر (۱۹۳ق)

مرو، شهری قدیمی و باستانی بود که بنای آن را از طهمورث و مربوط به عصر باستانی

نقش حضور امام رضا (ع) در ... ❖ ۱۳۷

و اسطوره‌ای ایران می‌دانند (اصطخری، ۱۳۶۲: ۲۰۵). این شهر از جمله شهرهای بسیار معروف و قدیمی خراسان بزرگ بود؛ چنان‌که کاوش‌های باستان‌شناسی از تحول زندگی شهری و مظاهر فرهنگی - تمدنی در سده‌های پیش از میلاد در این شهر یاد می‌کند (بلنیتسکی، ۱۳۷۸: ۸۴). در کتاب *اوستا* از شهر مرو به‌عنوان مسیر مهاجرت و گذر آریاها اشاره شده است (دوستخواه، ۱۳۷۵: ۶۵۹).

این پیشینه، جایگاه دیرینه شهر مرو را به‌مثابه یکی از مراکز جمعیتی خراسان قدیم بیان می‌کند. اقلیم مناسب سرزمین مرو از جمله عوامل رونق دیرینه این شهر بوده است؛ چنان‌که آن را مکانی با نعمت و خرم (بی‌نام، ۱۳۶۲: ۳۰۰) و از حیث آبادانی ام‌القرای خراسان دانسته‌اند (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۴۳۳). در کتیبه بیستون از مرو نام برده شده و این شهر از عصر اشکانی اهمیت بسیار زیادی داشته است (پیرنیا، ۱۳۷۴، ج ۱: ۵۴۴). جایگاه و موقعیت خاص جغرافیایی شهر مرو سبب شد تا در عصر ساسانیان این شهر بیشتر مورد توجه قرار گیرد. خسرو انوشیروان، ایران را به لحاظ نظامی و سوق‌الجیشی به چهار ناحیه تقسیم کرد که در این میان «سپاهبد» شرق از اهمیت بیشتری برخوردار بود (بویل، ۱۳۶۸: ۲۵۲). به همین دلیل مرکز نظامی ساسانیان در خراسان بزرگ، شهر مرو بود (فرای، ۱۳۶۳: ۴۷). این شهر محل برخورد و ارتباط شرق با غرب آسیا به‌شمار می‌رفت. علاوه بر آن، ویژگی‌های اقتصادی - فرهنگی این منطقه بر اهمیت سیاسی این شهر می‌افزود.

مرو از عصر باستان پایگاهی برای حضور پیروان ادیان دیگر نیز شده بود؛ چنان‌که در سال ۵۵۳ میلادی این شهر مرکز حضور مسیحیان شرق و مقر اسقف‌نشین‌های نسطوری بود (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۱۵۴). این امر خود نیز عاملی برای حضور برخی از طرفداران ادیان دیگر در مرو تا عصر امام رضا (ع) بود.

قبل از سقوط ساسانیان، خراسان و شهر مرو از جایگاه اقتصادی، اجتماعی و مذهبی ارزشمندی برخوردار بود. در پرتو همین موقعیت ویژه، پس از حمله اعراب مسلمان، یزدگرد، پادشاه ساسانی، برای حفظ قدرت و امپراتوری خود و بازیابی قدرتش راهی خراسان و مرو

❖ سال اول، شماره اول، شماره مسلسل ۱، بهار ۱۳۹۲

شد. وی در مرو به دلیل اختلاف با ماهویه، مرزبان این شهر، کشته شد (اصفهانی، ۱۳۶۷: ۶۰؛ یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۳۸). اعراب مسلمان به خاطر تعقیب یزدگرد و همچنین اهمیت خراسان، به سرعت راهی فتح این سرزمین شدند. منابعی چون طبری (طبری، ۱۳۵۲، ج ۵: ۲۰۰۳) و ابن اثیر (ابن اثیر، ۱۳۸۱، ج ۴: ۱۵۳۹) در روایت‌های پراکنده خود اشاره به فتح خراسان در سال ۲۲ قمری دارند؛ اما مورخان بسیاری تصریح کرده‌اند که فتح خراسان به دست عبدالله بن عامر و در زمان خلافت عثمان صورت گرفته است (بلاذری، ۱۳۶۴: ۲۸۵؛ ابن‌اعثم کوفی، ۱۳۷۲: ۲۸۲).

اعراب مسلمان در فتوحات خود به سمت خراسان از زمان ورود احنف بن قیس در سال ۳۱ قمری به این شهر توجه خاصی نشان دادند و هر حاکمی که به خراسان می‌آمد در مرو مستقر می‌شد (حافظ ابرو، ۱۳۷۰: ۲۷). این شهر به‌عنوان دارالعماره خراسان همچنان موقعیتش را تا عهد امام رضا<sup>(ع)</sup> حفظ کرد (یعقوبی، ۱۳۴۳: ۵۵؛ ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۱۶۹؛ مستوفی، ۱۳۳۶: ۱۹۳). دوران حضور امام رضا<sup>(ع)</sup> با این پیشینه مرو، دوران اوج و اعتلای فرهنگی آن به حساب می‌آید. در سال ۳۷ قمری ماهویه، مرزبان مرو، خدمت حضرت علی<sup>(ع)</sup> رسید و حضرت فرمودند جزیه را مردم مرو به وی بسپارند و سپس جعه‌بن هییره مخزومی را والی مرو کردند (طبری، ۱۳۵۲، ج ۶: ۲۵۸۲؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۱، ج ۵: ۲۵۲).

مرو از عهد بنی‌امیه همچنان جایگاهش را حفظ کرد و مرکز اداری و مقر والیان اموی شد. خراسان از عهد بنی‌امیه از جمله سرزمین‌هایی بود که اعراب مسلمان برای کوچ‌ها و مهاجرت‌های دسته‌جمعی به آن توجه کردند. ویژگی‌های جغرافیایی خراسان به‌ویژه به دلیل آب‌وهوایی، با شیوه زندگی و طبع افراد بیشتر هماهنگی داشت (فرای، ۱۳۸۰: ۳۱).

در سال ۵۱ قمری بیش از ۵۰ هزار مرد جنگی به همراه خانواده‌های خود به خراسان کوچ کردند (بلاذری، ۱۳۶۴: ۲۹۴؛ طبری، ۱۳۵۲، ج ۷: ۲۷۹۲). بسیاری از این قبایل در شهر مرو و اطراف آن مستقر شدند. مرو به‌عنوان پرجمعیت‌ترین شهر خراسان در دوران اموی جایگاه خود را حفظ نمود. ابومسلم، رهبر دعوت عباسیان در خراسان، قیام خود را در سال

نقش حضور امام رضا (ع) در ... ❖ ۱۳۹

سال اول، شماره اول، شماره مسلسل ۱، بهار ۱۳۹۲ ❖  
۱۲۹ قمری در دهکده سفیدنج از توابع مرو آغاز کرد و در سال ۱۳۰ قمری مرو، مقر حکومت خراسان را فتح کرد (اکبری، ۱۳۸۴: ۲۶). خراسان جایگاه طبیعی پیشرفت جنبش عباسیان شد و ابومسلم، خراسان را مرکز قلمرو خویش و مرو را امارت نشین خود قرار داد. منصور، هنگام ساخت بغداد دروازه شرقی آن را که به سوی خراسان بود باب‌الاقبال نامید.

در دوران خلفای عباسی، مرو همچنان اعتبار خود را حفظ کرد. هارون الرشید به دلیل گستردگی امپراتوری اسلامی مبادرت به تقسیم خلافت خود کرد. وی در سال ۱۸۶ قمری به مکه رفت و داخل خانه کعبه فرزندانش را سوگند داد که به یکدیگر خیانت نکنند و به هم وفادار باشند. هارون، امارت عراق، شام و سرزمین مغرب را به محمدامین داد و به او گفت: «تو در بغداد نشین.» سپس مأمون را به جانشینی امین قرار داد و از همدان تا پایان سرزمین‌های مشرق را به او واگذار کرد و به او نیز گفت: «تو دارالملک به مرو بسپار.» (ابن خلدون، ۱۳۶۴، ج ۲: ۳۴۷؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۱۶۴). هارون به روایت دینوری از زبان امام کاظم (ع) سخنی درباره اختلاف دو برادر شنیده بود (دینوری، ۱۳۷۲: ۴۳۰). به همین دلیل وی امین و مأمون را سوگندهای سخت داد که از نظر قانونی، اخلاقی و شرعی به هم وفادار باشند (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۴۳۳ - ۴۳۰).

این وفاداری بسیار سست بود و بر اساس پیش‌بینی امام موسی کاظم (ع) به سرعت جنگی بزرگ بر سر تقسیم قدرت میان امین و مأمون رخ داد. هارون در اواخر عمرش برای آرام کردن خراسان از شورش‌های خوارج عازم این دیار شد تا قلمرو مأمون را از فتنه‌ها خاموش کند. در این سفر مأمون همراه پدر بود و جلوتر از وی در مرو مستقر شد. هارون در مسیر حرکت به مرو در سناباد طوس درگذشت و دیری نگذشت که میان امین در بغداد با مأمون در مرو جنگی بزرگ به وقوع پیوست.

### مرو پایتخت جهان اسلام و ضرورت دعوت از امام

با مرگ هارون الرشید در خراسان اختلاف میان فرزندان وی آغاز شد. اطرافیان امین وی را وسوسه کردند تا امارت مأمون را در مرو به رسمیت نشناسد. سال اول خلافت امین در

❖ سال اول، شماره اول، شماره مسلسل ۱، بهار ۱۳۹۲

مدارای با مأمون سپری شد و مأمون نیز در مقابل، نامه‌های احترام‌آمیز به همراه هدایای زیاد از خراسان برای امین به بغداد می‌فرستاد (طبری، ۱۳۵۲، ج ۱۲: ۵۴۰۹) اما از سال ۱۹۴ قمری اختلاف میان دو برادر جدی شد. فضل بن ربیع، مشاور و وزیر امین، و فضل بن سهل، مشاور و وزیر مأمون، در دامن زدن به این اختلاف نقش بیشتری داشتند. این مخالفت‌ها به نزاع دیرینه دیوان‌سالاران ایرانی و عرب در عصر هارون و پیش از وی برمی‌گردد.

حضور مأمون در مرو نشانه‌ای از تسلط ایرانی‌ها بر امارت مرو تلقی می‌شد (اکبری، ۱۳۸۴: ۵۴)، به همین دلیل اطرافیان امین در صدد بودند تا مأمون را از ولیعهدی خلع کنند. امین از طرف سپاه عباسی در بغداد حمایت می‌شد و مأمون می‌کوشید برای مقابله با وی حمایت فرماندهان عالی‌رتبه مستقل در خراسان را کسب کند (Lapidus, 1975: 75). اقدام‌های وی در جلب حمایت مردم خراسان به هر شکل ممکن از همان آغاز حضور در مرو درخور توجه و تأمل است. فضل بن سهل برای محبوب کردن مأمون در نزد مردم خراسان، وی را ترغیب به حضور در میان علما و همنشینی بیشتر با آنان کرده بود (گردیزی، ۱۳۶۳: ۲۹۵) حتی توصیه می‌کرد مأمون «اظهار ورع و دین کند» (ابن طقطقی، ۱۳۶۷: ۲۹۲).

این ریاکاری‌ها بر محبوبیت مأمون افزوده بود؛ چنان‌که خراسانیان وی را در مقابل برادرش امین یاری کردند. دامنه این مخالفت‌ها سبب پیدایش یکی از بزرگ‌ترین جنگ‌های خانگی در عهد عباسیان شد. علی بن عیسی، فرمانده بزرگ سپاه امین، در سال ۱۹۵ قمری به سوی مرو حرکت کرد. وی با چنان سپاه آراسته و مجهزی به سوی خراسان آمد (طبری، ۱۳۵۲، ج ۱۲: ۵۴۵۴؛ نخجوانی، ۱۳۵۷: ۱۵۴) که برای وی امیدی جز پیروزی در نظر نداشتند.

مأمون در شرایط دشوار خویش تنها امید به حمایت خراسانیان داشت. سپاه اندک طاهر بن حسین، فرمانده مأمون، لشکر ۵۰ هزار نفری علی بن عیسی را در ری شکست داد. این پیروزی غیرمنتظره راه را برای پیشرفت کار مأمون هموار کرد. پیروزی طاهر زمانی به وقوع پیوست که مأمون نامیدانه خود را برای تسلیم شدن در برابر برادرش آماده می‌کرد. این پیروزی سرآغاز حرکت طاهر به سوی بغداد شد. سپاهیان امین در شهرهای مختلف

نقش حضور امام رضا<sup>(ع)</sup> در ... ❖ ۱۴۱

❖ سال اول، شماره اول، شماره مسلسل ۱، بهار ۱۳۹۲

شکست می خوردند و ثروت بی کران وی در بغداد برای تشویق سپاهیانش رو به اتمام بود (Holt, 1970: 334).

طاهر و سپاهیانش بغداد را محاصره کردند و پس از ۱۴ ماه محاصره در سال ۱۹۸ قمری امین کشته شد و سر وی را برای مأمون به مرو فرستادند. با مرگ امین، مردم در مرو با مأمون به عنوان خلیفه بیعت نمودند و مرو پایتخت جهان اسلام شد. فضل بن سهل، وزیر مأمون، که این موفقیت‌ها را نتیجه کفایتش می دانست بر همه امور مسلط شده بود. وی برادرش، حسن بن سهل، را حاکم بغداد کرد و وی که چندان کفایتی در اداره امور بغداد نداشت، ناخواسته زمینه‌های لازم برای مخالفت و شورش علیه مأمون را فراهم کرد. محمد بن ابراهیم علوی معروف به ابن طباطبا شورش گسترده‌ای را در کوفه و دیگر شهرهای عراق برپا کرد (اصفهانی، ۱۳۵۰: ۴۷۸ - ۴۷۷). دامنه این شورش موجب حرکت و قیام گسترده علویان در شهرهای دیگر اسلامی شد. ابراهیم بن موسی بر یمن مسلط شد و مکه را نیز تصرف کرد. زید بن موسی بن جعفر بصره و حجاز را تصرف کرد و در همین اوضاع آشفتنه که غرب خلافت اسلامی را فراگرفته بود، مسئله دعوت از امام رضا<sup>(ع)</sup> به عنوان ضرورتی سیاسی از سوی مأمون مطرح شد.

پیشنهاد دعوت از امام رضا<sup>(ع)</sup> چه از سوی مأمون بوده باشد یا وزیرش، فضل بن سهل، بیشتر برای آن بود تا به دلیل راضی نگه داشتن علویان و ممانعت از قیام آنان، بزرگ‌ترین رهبر علوی را که علی بن موسی<sup>(ع)</sup> بود به مرو دعوت کنند. شکل فرمایشی واگذاری خلافت یا ولیعهدی به امام بیشتر به تثبیت قدرت مأمون در مرو کمک می کرد. جهشیاری می نویسد: «دعوت از امام رضا<sup>(ع)</sup> به خراسان پیشنهاد فضل بن سهل بود تا دولت مأمون از شر نهضت علویان مصون بماند» (۱۳۴۷: ۳۹۶).

گروه اندکی از مورخان، دعوت از امام رضا<sup>(ع)</sup> را نتیجه نذری می دانند که مأمون قبل از پیروزی بر برادرش امین کرده بود تا در صورت پیروزی، خلافت را به برترین مرد از خاندان علوی بسپارد (اصفهانی، ۱۳۵۰: ۵۲۳؛ مفید، ۱۳۵۱، ج ۲: ۲۵۰). نقد و بررسی بسیاری از

❖ سال اول، شماره اول، شماره مسلسل ۱، بهار ۱۳۹۲

رویدادهای پس از حضور امام در مرو نشان می‌دهد که مأمون هدفی جز بهره‌وری سیاسی از موقعیت امام رضا<sup>(ع)</sup> نداشت؛ سیاستی که نتیجه عکس برای مأمون داشت و امام با ورود به مرو نه تنها خود را از فعالیت‌های سیاسی برحذر داشتند، بلکه به نقش فعال علمی و فرهنگی خود برای تثبیت جایگاه شیعه در جهان اسلام اهتمام ورزیدند.

### مرو مرکز آزاداندیشی جهان اسلام

مرو به دلیل موقعیت اجتماعی - اقتصادی، پیش از حضور مأمون از جایگاه ویژه فرهنگی برخوردار بود. طبق روایت‌های ابن طیفور در هنگام فرار یزدگرد به خراسان، وی بسیاری از کتاب‌های تیسفون را با خود به خراسان برد و در زمان امام رضا<sup>(ع)</sup> بسیاری از این کتاب‌ها در مرو وجود داشت (ابن طیفور، ۱۳۸۸ق: ۸۶).

مأمون که خود دست‌پرورده برمکیان بود به علم و دانش توجه خاصی داشت. وی از جمله خلفای اندیشمند عباسی بود که به مباحث علمی و مجادله با فقها و دانشمندان توجه ویژه داشت. دوران اقامت مأمون در مرو با جوانی و شیفتگی به مباحث علمی توأم بود. شرایط خاص سیاسی عصر مأمون و نفوذ بیشتر فضل‌بن سهل بر فعالیت‌های سیاسی - نظامی موجب شده بود تا مأمون به تشویق فضل‌بن سهل به فعالیت‌های علمی در مرو بپردازد. خلافت مأمون زمینه‌های لازم را برای عزیمت بسیاری از علما و دانشمندان به مرو فراهم کرد. نکته مهم و درخور توجه اینکه مأمون گرایش‌های معتزلی داشت و همین امر سبب شد بر مباحث علمی تأکید زیاد داشته باشد. وی در فقه و کلام در مقایسه با همه خلفا آگاه‌تر بود (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۱۷۴).

دوران‌دیشی و دانش مأمون را بسیاری از منابع تأیید کرده‌اند (سیوطی، ۱۹۲۵: ۳۰۶). شاید همین دوران‌دیشی وی از جمله پیچیدگی‌های سیاسی او در قبال امام رضا<sup>(ع)</sup> است. بی‌تردید علاقه‌مندی مأمون در توجه به مباحث علمی می‌توانست از جمله دلایل مهم حضور بسیاری از دانشمندان جهان اسلام در مرو باشد. مأمون حدود ۱۰ سال در خراسان حضور

نقش حضور امام رضا (ع) در ... ❖ ۱۴۳

❖ سال اول، شماره اول، شماره مسلسل ۱، بهار ۱۳۹۲

داشت و می‌توانست رغبت بسیاری از دانشمندان جهان اسلام را برای بهره‌مندی از بخشش‌های خود در مرو برانگیزاند.

فضل بن سهل که روحیه‌ای مقتدرانه داشت (ابن تغری بردی، ۱۳۸۳ق: ۱۷۲) و از دخالت حتی خلیفه در کارهای سیاسی چندان خرسند نمی‌شد، بسیار تلاش می‌کرد که خلیفه را به مجالس مباحثه و نشست با علما که با آن مانوس‌تر بود بکشاند (گردیزی، ۱۳۳۳: ۲۹۵). آنچه بسیاری از منابع درباره‌ی مناظره‌های امام رضا (ع) با علما و بزرگان ادیان مختلف در حضور مأمون در مرو بیان کرده‌اند، بیش از هر چیزی می‌تواند بیانگر حضور گسترده‌ی علما و صاحب‌نظران مکاتب گوناگون علمی و فرهنگی در مرو باشد.

اطلاعات زیادی از جلسه‌های هم‌اندیشی علمای اسلامی در شهر مرو وجود ندارد، اما شواهد و قراین بسیار حاکی از آن است که مرو به‌عنوان پایتخت جهان اسلام و به‌خصوص وجود عوامل بسیار در تشویق و حمایت علما در آن روزگار، تنها نقطه‌ای از سرزمین اسلامی به‌شمار می‌رفت که همه‌ی عوامل تشویقی را برای رشد آزاداندیشی فراهم کرده بود.

شاید در راستای حضور همه‌ی صاحب‌نظران ادیان بزرگ و فقهای جامعه در شهر مرو، مأمون به دلیل قضاوت در اندیشه‌های شیعی بی‌تمایل به حضور امام رضا (ع) برای به چالش کشیدن اندیشه‌های شیعه نبود. در این میان، بسیاری از منابع، یکی از دلایل مهم دعوت از امام را کنترل قیام‌های علوی ذکر می‌کنند. برای شخص سیاست‌مدار و اندیشمند چون مأمون مسلماً صرف کنترل سیاسی حرکت‌های شیعی نمی‌توانست تنها راهکار باشد. وی بی‌تمایل نبود تا بتواند تفکر مبارزاتی شیعه و نیز حقانیت دعاوی آنها را به‌گونه‌ای به چالش بکشاند. اگر مأمون در مناظره‌هایش موفق می‌شد مبانی فقه شیعه را در میان اندیشمندان محکوم کند، بی‌تردید در میان همه‌ی خلفا به پیروزی بزرگ‌تری نائل می‌شد، چراکه وی بر خلاف برخورد سیاسی، به کنترل فکری شیعیان نیز دست می‌یافت.

مأمون تمایل داشت تا همه‌ی افراد، دیدگاه‌ها و استدلال‌هایشان را در حضور او بدون ترس از نظر خلیفه ابراز دارند و این فرصتی مناسب و گران‌بها برای امام رضا (ع) به‌منظور

❖ سال اول، شماره اول، شماره مسلسل ۱، بهار ۱۳۹۲  
 ابراز اندیشه‌های والای شیعه بود. به همین دلیل نقش امام رضا<sup>(ع)</sup> در دوران حضور در مرو به‌خصوص از نظر فرهنگی بسیار مهم و درخور توجه بوده است.

### مناظره‌ها و نقش امام رضا<sup>(ع)</sup> در تحول فکری و علمی

از جمله وقایع مهم حضور امام رضا<sup>(ع)</sup> در خراسان مسئله مناظره‌ها و بحث‌های علمی آن حضرت با علمای سایر ادیان است. امام در مقام رهبر دینی مسلمانان و به‌خصوص علویان باید در این مناظره‌ها از اصول عقاید اسلام در مقابل ادیان دیگر دفاع و استدلال‌های شیعی را در مقام رهبر علویان در این مجالس بازگو می‌کردند تا حقانیت و منزلت دیدگاه‌های خویش را نمایان کنند. مأمون تصمیم داشت با کشاندن امام به بحث، توانایی اندیشه‌های شیعی را در مقابل استدلال‌های صاحبان فرقه دیگر بیازماید و نیز بر آن علم‌گدانی امام آگاهی یابد.

مأمون، اندیشمندان سطح بالای هر فرقه را در مقابل امام قرار می‌داد تا میزان لغزش‌های امام را نیز دریابد و این امر به دلیل حسد او به امام و منزلت علمی و اجتماعی ایشان بود، اما هیچ‌کس با آن حضرت روبرو نمی‌شد جز آنکه به فضل ایشان اقرار می‌کرد و به محبتی که از طرف امام علیه او اقامه می‌شد، ملتزم می‌شد. این مجالس به‌تدریج مسائلی را برای مأمون ایجاد کرد؛ وقتی مأمون متوجه شد چنین مجالسی برای وی خطرناک است، امام را محدود کرد.

وقتی از امام جز آنچه برتری او را بر مأمون نشان می‌داد، چیزی برای مردم آشکار نشد، دست به دعوت و جلب متکلمان بزرگ از همه سرزمین‌های اسلامی زد تا به وسیله آنها به شکلی امام مغلوب شود و از این رهگذر نقایص آن حضرت میان عامه مردم ثابت شود، ولی نتیجه برعکس شد و مردم می‌گفتند که آن حضرت شایسته‌تر از مأمون در علم، درایت و خلافت است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹: ۱۸۹).

مأمون امیدوار بود مردم از این رهگذر از ولا و دوستی آنها روی‌گردان شوند؛ اما امام

نقش حضور امام رضا (ع) در ... ❖ ۱۴۵

❖ سال اول، شماره اول، شماره مسلسل ۱، بهار ۱۳۹۲

همواره پاسخ لازم را در اختیار داشت و کمترین لغزشی در مسائل علمی نداشت، بلکه این مناظره‌ها باعث شد مقام و منزلت آنان از دیدگاه مردم رو به فزونی گذارده و دریابند که آنها کان علم و شایسته‌ی خلافت و از شاخه‌های درخت فرازند نبوت‌اند (مظفر، ۱۳۷۵: ۱۱۳).

ممکن است نظر برخی از منابع درباره‌ی اینکه مأمون از جلسه‌های مناظره صرفاً قصد تخریب امام را داشت درخور بحث باشد، اما نکته‌ی مهم این است که امام در برخوردهای علمی و مباحثه‌های خود با صاحبان ادیان و فرقه‌ی گوناگون از همه‌ی شرایط مناظره برای دفاع از حقانیت شیعه بهره‌ی کافی را می‌بردند؛ هرچند تلاش امام در این خصوص چندان خوشایند مأمون و اطرافیان نبود. بر خلاف بسیاری از دیدگاه‌ها که مأمون برای جلسه‌های مناظره به اجبار امام را وادار به آن کرده بود و در این راستا قصد منزوی یا خدشه‌دار کردن شخصیت امام را داشته، نگارنده بر این نکته تأکید دارد که امام خود رغبت به حضور در این جلسه‌ها داشتند و چه‌بسا در برگزاری چنین جلسه‌هایی بسیار راغب یا مشوق بودند.

در مدت دو سال اقامت امام رضا (ع) در مرو ایشان آشکارا از همان ابتدا خود را از بسیاری مسائل سیاسی دور کرده و چندان مشغولیتی در این امر نداشتند. بنابراین، فراغت امام از این رو به‌خصوص با توجه به رسالت ائمه در هدایت افراد جامعه و نیز علم و درایت آنان در اشراف به مباحث علمی گوناگون هیچ نگرانی را برای حضور امام در این مجالس فراهم نمی‌کرد.

از طرف دیگر، سیره‌ی ائمه‌اطهار پس از شهادت امام حسین (ع) گواه بر این است که ایشان از هر فرصت مناسب برای آگاه کردن جامعه از سیرت رسول خدا و تفکر شیعی - که بیش از مذاهب دیگر تحت فشار بود - بهره می‌بردند. بنابراین، چگونه می‌توانیم بپذیریم در شرایط پیش‌آمده علمی با وجود فضای آزاداندیشی مرو، امام به اجبار مأمون در این جلسه‌ها شرکت کرده یا برای حضور اکراه داشته باشند؟

مطالعه‌ی تاریخ خلفای اموی و عباسی نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از این خلفا چه به دلیل خصوصیات فردی و چه موقعیت خاص فرهنگی - اجتماعی، چنین فضایی را برای آزاداندیشی

❖ سال اول، شماره اول، شماره مسلسل ۱، بهار ۱۳۹۲  
 علمی فراهم نکرده بودند. بی تردید عملکردهای مأمون برای چنین فعالیت‌های فرهنگی با  
 غرض‌های خاص سیاسی یا اعتقادی همراه بوده، اما باید حداقل بر این نکته اذعان داشت  
 که امام رضا(ع) در راستای توسعه فرهنگ شیعه از تریبون خلافت استفاده لازم را کردند  
 (خامنه‌ای، ۱۳۶۶: ۱۲۵).

آنچه بسیاری از منابع تاریخ اسلام از مناظره‌های امام با جاثلیق، عالم بزرگ مسیحی؛  
 رأس الجالوت، دانشمند بزرگ یهود؛ هیرید اکبر، عالم بزرگ زرتشتی؛ عمران صابی، متکلم  
 معروف؛ علی بن محمد بن الجهم، سلیمان مروزی و... نقل می‌کنند حکایت از آن دارد که  
 چگونه جلسه‌های علمی پربار و فضای بحث و استدلال علمی در دفاع از عقاید و اندیشه‌های  
 دینی فراهم بود.

لازم است امروزه محققان بیش از آنکه نتایج و استدلال‌های خود را معطوف انگیزه‌ها و  
 مقاصد سوء مأمون در برگزاری چنین جلسه‌هایی کنند، بر این نکته دقت بیشتری داشته  
 باشند که عصر طلایی مرو چگونه با این مناظره‌ها رقم خورد و اندیشه‌های شیعی در راستای  
 تلاش‌های بی‌وقفه امام علی بن موسی(ع) در بهره‌گیری از شرایط ممکن به چه نحوی در  
 جهان اسلام و به‌خصوص خراسان موجب تحکیم تمایل‌های شیعی شد.

در مناظره امام با عمران صابی چند نکته درخور تأمل است. عمران صابی در مجلس  
 مناظره بیان می‌کند که: «من به کوفه، بصره، شام و جزیره رفته‌ام و با علمای علم عقاید بحث  
 بسیار نموده‌ام، ولی احدی را نیافته‌ام که برای من ثابت کند خداوند یگانه است و قائم به  
 وحدانیت خویش است» (صدوق، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۴۸-۳۴۰). امام با استدلال و منطق خاص  
 جواب عمران را چنان می‌دهند که وی آشکارا بر همه گفته‌های امام صحه می‌گذارد. برخی  
 از موارد مهم در این مناظره‌ها عبارت‌اند از:

۱. اشاره عمران صابی بر اینکه وی به همه مراکز علمی و فرهنگی جهان اسلام چون:  
 کوفه، بصره و شام سفر کرده و نیز اذعان برخی از حاضران در این مناظره که هیچ‌کس  
 تاکنون در بحث بر عمران غلبه نکرده، گواه بر این است که دانشمندان حاضر در جلسه‌های

نقش حضور امام رضا (ع) در ... ❖ ۱۴۷

❖ سال اول، شماره اول، شماره مسلسل ۱، بهار ۱۳۹۲

مناظره زبانزد جهان اسلام بودند و آشکارا در مرو به تبلیغ و ذکر افکار خود می‌پرداختند.

۲. دقت در بسیاری از این مناظره‌ها و از جمله مناظره با هیرید اکبر زرتشتی و عمران صابی نشان می‌دهد که این جلسه‌ها گاه از صبح تا غروب ادامه می‌یافت، چنان‌که حاضران غرق در مباحث علمی می‌شدند. چون وقت نماز ظهر شد، عمران گفت: «مولای من! سؤال مرا قطع نکن دلم اکنون نرم شده است» (همان: ۳۴۸) امام فرمودند: «نماز می‌گذاریم و بازمی‌گردیم.» پس از نماز، این مباحثه آن‌چنان به درازا کشید که مغرب درآمد و مأمون و حضرت رضا (ع) برخاستند و مردم متفرق شدند (همان: ۳۵۸).

۳. جلسه‌های مناظره در مرو به شکل مستمر و پیوسته ادامه داشت؛ چنان‌که مسعودی می‌نویسد: «روزهای سه‌شنبه هر هفته مجالس مناظره برپا می‌شد و علما و محققان نزد مأمون مناظره می‌کردند» (۱۳۷۰، ج ۲: ۴۳۳).

پیوستگی این مناظره‌ها، آمادگی مردم را برای حضور و برقراری جلسه‌های بحث علمی فراهم می‌کرد. تداوم این جریان طی چند سال در مرو بی‌تردید سبب پیدایی نهضت علمی و کلامی مرو شده بود. تکامل اندیشه‌های علمی و فرهنگی در جامعه عصر مأمون و به‌خصوص پیشینه فعالیت‌های فرهنگی در قالب حرکت‌های بیت‌الحکمه که از عصر هارون آغاز شده بود، مقدمات رونق و فضای آزاد فکری را نه تنها برای صاحبان ادیان دیگر، که برای فرق اسلامی نیز مهیا کرده بود.

در احیا و رشد نهضت علمی و کلامی مرو با توجه به نقش فرهنگ محوری امام رضا (ع) مشخص می‌شود که اعتراف و اذعان دیگر صاحب‌نظران و اندیشمندان در مقابل برهان و حجت‌های امام رضا (ع) خود نمایانگر قابلیت اندیشه‌های شیعی در فضای رقابت و مجادله‌های علمی و منطقی است. شاید از جمله دلایلی که بعد از مأمون و به‌خصوص عصر متوکل و چند قرن حاکمیت خلفای عباسی، با افکار و اندیشه‌های شیعی مخالفت می‌شد، ترس از این تجربه فضای آزاداندیشی مرو بود که دیگر خلفا حاضر به تکرار آن نبودند.

بررسی و مطالعه ابعاد گوناگون مناظره‌ها نشان می‌دهد که امام چگونه در برخورد با

❖ صاحبان اندیشه و فقهای بزرگ زمان خویش، از دین اسلام و اندیشه‌های فقهی دفاع کرده و با حکمت و اندیشه الهی خویش در راه اثبات حقانیت و گفته‌های خود تلاش کرده‌اند. با توجه به زمینه‌های گوناگون بررسی مناظره‌ها و فرصتی که برای نخستین بار در اختیار ائمه شیعه - برای دفاع از گفته‌های خود - فراهم شده بود، از این منظر امام تأثیر کارآمدی از خود بر جای گذاشتند.

مهم‌ترین تأثیری که این مناظره‌ها بر مخاطبان امام می‌گذاشت، آگاهی امام بر زبان‌های گوناگون و دقت و اشراف ایشان بر متون فقهی و دینی آنان بود (قمی، ۱۴۱۷: ۱۹۸) تا حدی که آشنایی امام با زبان‌های گوناگون باعث تعجب یاران خود حضرت می‌شد (طبرسی، ۱۳۸۸: ۲۴۱). چنان‌که اباصلت هروی نقل می‌کند: «امام با مردم به زبان خودشان سخن می‌گفت و به خدا قسم او فصیح‌ترین مردم و آگاه‌ترین آنان به هر زبان و لغتی بود» (صدوق، ۱۳۸۰، ج ۲: ۵۵۲؛ ابن شهر آشوب اصفهانی، بی‌تا، ج ۳: ۴۵۳؛ طبرسی، ۱۳۸۸: ۵۸۷).

### مرو پایگاه توسعه فرهنگ شیعی

دین مبین اسلام در راستای آیه‌های قرآنی و احادیث نبوی مبنای لازم را برای ایجاد و توسعه علمی و نیز حرکت مسلمانان به سوی تولید علم در آینده‌ای نه‌چندان دور تعیین و برقرار کرد. قرآن می‌فرماید: «قل هل یستوی الذین یعلمون انما یتذکر اولوالالباب؛ بگو آیا آنان که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسان‌اند؟ تنها خردمندان متذکر می‌شوند» (زمر/ ۹) یا احادیث گوناگون پیامبر که فراگیری علم و دانش را بر هر مرد و زن مسلمان واجب می‌دانستند. مجموعه این آموزه‌های اسلامی خود از جمله عوامل مهم جنبش علمی و فرهنگی جهان اسلام برای رسیدن به تعالی علمی بود.

زمینه‌های جنبش فرهنگی اسلام در مسیر تکامل و رشد روزافزون خود در آغاز قرن سوم هجری و هم‌زمان با عصر امام رضا<sup>(ع)</sup> در نقطه تعالی و اوج قرار گرفته بود. در راستای عینیت بخشیدن به آموزه‌های متعالی دین اسلام مبنی بر ضرورت و آشنایی مسلمانان با

نقش حضور امام رضا (ع) در ... ❖ ۱۴۹

❖ سال اول، شماره اول، شماره مسلسل ۱، بهار ۱۳۹۲

دستاوردهای علمی سایر ملل، مسلمانان اقدام به فراگیری علوم آنها کردند. نهضت ترجمه آغاز شد و حرکت‌های شتابان مسلمانان برای فراگیری علوم آغاز شد (مفید، ۱۳۵۱، ج ۲: ۱۷۳). امام محمدباقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) پیشگامان این نهضت علمی و از جمله رهبرانی بودند که مسلمانان را به تفکر علمی وامی‌داشتند. نکته مهم اینکه بسیاری از شاگردان امام صادق (ع) از جمله افرادی بودند که خود موجب پی‌ریزی مکتب علمی یا فقهی شدند و این امر نشان می‌دهد که حلقه‌های درس ائمه و از جمله امام صادق (ع) منجر به تولید علم در شاخه‌های گوناگون شده است.

مسئله مهم آنکه در نوع تعالیم و آموزه‌های ائمه اطهار حکمت و غنایی نهفته بود که بسیاری از شاگردان آنها هر دانشی را که می‌آموختند سرآمد زمان خود می‌شدند. رشد حرکت‌های آزاداندیشی، مجالس مباحثه و مناظره‌های منظم و پیوسته در مرو قطعاً زمینه‌های لازم را در خراسان آن روز برای رسیدن به پایگاه علمی بزرگ در آینده نه‌چندان دور فراهم کرده است. بررسی بسیاری از عوامل پیدایی دانشمندان بزرگ در خراسان قرن سوم و چهارم هجری بیانگر چنین فضایی بوده که در مرو در این ایام برقرار بود.

بازنگری فضای علمی مرو به‌خصوص اصول و سیاست‌های حاکم بر روش مناظره‌های امام نشان می‌دهد که تولید علم نتیجه برخورد و مقابله اندیشه‌ها و درک حقیقت در مقایسه افکار با یکدیگر است، به همین دلیل حرکت‌های فرهنگی امام رضا (ع) و نوع مناظره‌های ایشان، به‌خصوص بر اساس ادله و شواهد مقبول صاحبان ادیان دیگر، نشانگر روش علمی امام در برقراری این تحول علمی و دینی است.

توجه امام به استدلال‌های عقلی - روشی که در آن روز متداول و پسندیده بود - و نیز بهره‌گیری از کتاب و سنت یا منابع دینی صاحبان ادیان، جایی را برای سؤال و ابهام باقی نمی‌گذاشت. این روش مناظره، خود بیانگر ابداع دانشی تازه در مناظره‌ها بود که پیش از آن سابقه نداشت. جالب آنکه اباضیت هروی نقل می‌کند امام با هر کدام از مخاطبان‌شان به زبان آنها سخن می‌گفت؛ چنان‌که داناترین آنها به زبان‌ها و فرهنگ بود (صدوق، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۱۶).

❖ سال اول، شماره اول، شماره مسلسل ۱، بهار ۱۳۹۲

امام رضا<sup>(ع)</sup> این حرکت علمی و فرهنگی را برای اشاعه اندیشه‌های اسلامی و شیعی نه تنها در مناظره‌های رسمی، که در منزل خویش نیز برقرار کرده بودند. از نتایج مهم حضور امام در مرو و فعالیت‌های ایشان در خراسان، رشد و گسترش تشیع و علاقه‌مندی بیشتر این مردمان به سوی اهل بیت پیامبر<sup>(ص)</sup> بود. خراسان سابقه دیرینه‌ای در همراهی با خاندان پیامبر و علویان داشته و عباسیان با سوءاستفاده از همین علاقه‌مندی خراسانیان به تشیع، شعار چند پهلوی «الرضا من آل محمد<sup>(ص)</sup>» را برای نهضت خود برگزیدند و خراسانیان که از آل محمد<sup>(ص)</sup> منظوری جز آل علی<sup>(ع)</sup> نمی‌دیدند، به این نهضت پیوستند، اما در همان زمان شریک بن شیخ‌المهری در بخارا دریافت که فعالیت ابومسلم خدعه‌ای بیش نیست و قیام نمود و خطاب به مردم اعلام کرد: «ما از رنج مروانیان اکنون خلاصی یافتیم، ما را رنج آل عباس نمی‌باید، فرزندان پیغمبر باید که خلیفه پیغمبر بود» (نرشخی، ۱۳۶۳: ۸۶).

تمایل‌های شیعی خراسانیان حتی در دعوت امام رضا<sup>(ع)</sup> به خراسان درخور تأمل است. در راستای همه اهداف مأمون از دعوت امام رضا<sup>(ع)</sup>، علاقه‌مندی مردم خراسان به اهل بیت و فرزندان پیغمبر در این دعوت مؤثر بود. آنچه منابع از استقبال باشکوه مردم نیشابور از امام رضا<sup>(ع)</sup> نقل می‌کنند بیانگر علاقه‌مندی و تشیع‌دوستی خراسانیان است.

فارغ از این پیشینه علاقه‌مندی به تشیع، باید به نقش ویژه امام رضا<sup>(ع)</sup> در توسعه فرهنگ شیعی در خراسان و افزایش اطلاعات مردم در این خصوص نیز اشاره کرد. مناظره‌های گوناگون و نقش محوری امام در این مناظره‌ها سبب شناخت بیشتر مردم مرو به علم و درایت امام شد. مردم بنا بر علاقه خویش و با توجه به نسب والا و کرامت‌های حضرت، شیفته امام رضا<sup>(ع)</sup> شدند. علما و دانشمندان نیز با وسعت دید و تفکر امام، شیفته پرسش و یافتن پاسخ‌های خود بودند. این روند در مدت اقامت امام رضا<sup>(ع)</sup> در مرو به گونه‌ای بود که مردم مرو دیگر به مأمون که پیش از ورود امام، به‌عنوان برجسته‌ترین شخصیت علمی مرو مطرح شده بود، چندان توجهی نکردند.

شاید یکی از دلایل عزیمت مأمون پس از ۱۰ سال اقامت در مرو همین مقوله بوده که

نقش حضور امام رضا (ع) در ... ❖ ۱۵۱

❖ سال اول، شماره اول، شماره مسلسل ۱، بهار ۱۳۹۲

وی دیگر چون گذشته، برای خود جایگاه والایی در نزد مردم مرو نمی‌یافت. سیره امام به‌عنوان فرزند رسول خدا و نحوه برخورد ایشان با مردم مرو که حتی در مقام ولیعهد بدون تکلف با علاقه‌مندان خود مراوده داشتند، سبب جلب توجه بیشتر مردمان مرو به سوی ایشان و فرهنگ شیعه شد.

در کنار همه تلاش‌های امام برای ارائه تصویر واقعی تشیع در اذهان مردم، برخی دیگر از کرامت‌های ایشان چون دعای باران در جلب توجه و گرایش بیشتر مردم بسیار مؤثر بود. در کنار نقش امام برای توسعه فرهنگ شیعی، شرایط خاص سیاسی پیش‌آمده، یعنی مسئله ولیعهدی امام رضا (ع)، خود عامل مهم دیگری برای گسترش تشیع در بسیاری از سرزمین‌های اسلامی همچون خراسان شد.

پس از جشن باشکوه ولیعهدی و حضور همه مردم مرو در این جشن، مأمون به همه بلاد اسلامی از شرق تا غرب، ولیعهدی امام را ابلاغ نمود و لباس و پرچم سبز را که نشان علویان بود، به‌جای نشان سیاه در همه جا رسمی کرد. فرصت مناسب ولیعهدی همه شرایط مطلوب را حتی از نظر سیاسی، برای تبلیغ و پذیرش اندیشه تشیع فراهم می‌کرد. تریبون خلافت، مسئله ولیعهدی و پذیرش پرچم سبز علوی نگاه همه جامعه اسلامی را به سوی علویان جلب کرد تا با درک صحیح و روشن و به دور از ترس حاکمیت، به خاندان پیامبر و اندیشه شیعی نظر بهتر و دقیق‌تر داشته باشند.

### نتیجه‌گیری

حضور امام رضا (ع) در خراسان بر خلاف پیامدهای بی‌شمار، از بُعد فرهنگی در درازمدت تأثیر بیشتری گذاشت. دعوت از امام به لحاظ سیاسی هیچ رهاوردی برای مأمون نداشت. عملکرد امام در مرو کاملاً بر خلاف انتظار مأمون و درباریان عباسی بود. امام بر خلاف قبولی ولیعهدی، خود را از همه فعالیت‌های سیاسی دور کردند و به‌عکس در میدان علم و فرهنگ حضور پررنگ و کاملاً روشنی داشتند. پیروزی‌های امام در مناظره‌ها و آن هم در

❖ جمع بزرگ‌ترین دانشمندان اسلامی آن عصر، نگاه مردم خراسان را متوجه امام و برتری اعتقاد شیعه کرد.

❖ سال اول، شماره اول، شماره مسلسل ۱، بهار ۱۳۹۲

میدان رقابت علمی فرصتی بود تا امام به دور از فشارهای سیاسی، اندیشه شیعی را به خوبی نه تنها در جمع علما، بلکه در میان مردم نیز منعکس کنند. امام نه تنها در مناظره‌های رسمی شرکت می‌کردند، بلکه خانه ایشان محلی برای پرسش و پاسخ مردم بود. از این رو، امام برای تبیین دیدگاه‌های فقهی شیعه به بحث‌های علمی و مناظره‌ها تمایل داشتند. فرصت فراهم آمده برای امام در راستای تحول علمی و فرهنگی در جامعه عصر خویش سبب شد تا ایشان با حکمت و اندیشه الهی در راه اثبات حقانیت و گفته‌های ولایت تلاش ارزشمندی کنند.

همه این حرکت‌های علمی امام، توسعه آزاداندیشی را در جامعه خراسان آن روز به همراه داشت. نقشی که امام به لحاظ فکری و به خصوص از نظر آگاهی مردم با تفکر شیعی بر عهده داشتند، بسیار کارآمدتر از عملکردهای دیگر در جامعه ایران آن روزگار بود. مجموعه تلاش‌های علمی و عملکرد رفتاری امام، نگاه جامعه را از مأمون متوجه امام کرد و همین امر زمینه عزیمت مأمون از مرو و شهادت امام را فراهم آورد.

شهادت امام در خراسان همواره در تاریخ، ذهنیت مردم ایران را به عملکرد ایشان به لحاظ فرهنگی زنده نگه داشت. پیدایش حکومت علویان در طبرستان به سال ۲۵۰ قمری و حضور بسیاری از علویان در خراسان را از نتایج فرهنگی حضور امام رضا<sup>(ع)</sup> در خراسان می‌دانند. مهم‌تر آنکه سیره و عملکرد علویان با اطلاعی که مردم از اندیشه شیعی در ذهن داشتند، از جمله عوامل گرایش ایرانیان به تشیع بود.

## منابع و مأخذ

- ابن اثیر، عزالدین علی، (۱۳۸۱). *تاریخ کامل اسلام و ایران*. ترجمه حمیدرضا آژیر، تهران: اساطیر.
- ابن اعثم کوفی، احمد بن علی (۱۳۷۲). *الفتوح*. ترجمه احمد مستوفی هروی، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انقلاب اسلامی.
- ابن تغری بردی، ابوالمحاسن جمال الدین یوسف، (۱۳۸۳ق/۱۹۶۳م). *النجوم الزاهرة*. الجزء الثانی، قاهره: المؤسسة المصریه.
- ابن حوقل، محمد بن علی، (۱۳۶۶). *ایران در صورته الارض*. ترجمه جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
- ابن خلدون، (۱۳۶۴). *تاریخ ابن خلدون*. ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۷۹ق). *مناقب آل ابی طالب*. قم: علامه.
- ابن طقطقی، ابوعبدالله محمد بن علی بن علی بن طباطبا، (۱۳۶۷). *تاریخ فخری*. ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن طیفور، (۱۳۸۸ق). *بغداد فی التاریخ الخلافة العباسیه*. بغداد: مکتب المثنی.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، (۱۳۶۶). *الفهرست*. ترجمه محمدرضا تجدد، تهران: امیرکبیر.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، (۱۳۶۲). *المسالك والممالک*. به اهتمام رحیم رضازاده ملک، تهران: کتابخانه طهوری.
- اصفهانى، ابوالفرج، (۱۳۵۰). *مقاتل الطالبین (سرگذشت کشته شدگان از فرزندان ابوطالب)*، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: صدوق.
- اصفهانى، حمزه بن حسن، (۱۳۶۷). *تاریخ پیامبران و شاهان*. ترجمه جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
- اکبری، امیر، (۱۳۸۴). *تاریخ حکومت طاهریان*. تهران: سمت.
- بلادری، احمد بن یحیی، (۱۳۶۴). *فتوح البلدان*. ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران: سروش.
- بلنیتسکی، آکساندر مارکوویچ، (۱۳۷۸). *خراسان و ماوراءالنهر*. ترجمه پرویز ورجاوند، تهران: علمی و فرهنگی.

- بویل، جی.آ، (گردآورنده)، (۱۳۳۸). *تاریخ ایران: از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی*. ترجمه حسن انوشه، جلد سوم، قسمت اول، تهران: امیرکبیر.
- پیرنیا، حسن، (۱۳۷۴). *ایران باستان*. تهران: دنیای کتاب.
- تاریخ سیستان*، (۱۳۷۳). ویرایش مدرس صادقی، تهران: مرکز.
- ثعالبی، ابومنصور، (۱۳۷۸). *لطائف المعارف*. ترجمه علی اکبر شهابی، مشهد: آستان قدس.
- جهشیاری، محمدبن عبدوس، (۱۳۴۷). *الوزراء و الکتاب*. با تحقیقات مصطفی السقا و ابراهیم الایباری، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، تهران: بی نا.
- حافظ ابرو، شهاب الدین عبدالله بن الطف الله بن عبدالرشید خوافی، (۱۳۷۰). *جغرافیای تاریخی خراسان*. تصحیح ورهرام، تهران: اطلاعات.
- حدود العالم من المشرق الی المغرب*، (۱۳۶۲). به کوشش منوچهر ستوده، تهران: کتابخانه طهوری.
- خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۶۶). «مجموع مقالات کنگره سیاسی امام رضا<sup>(ع)</sup>». مشهد: آستان قدس.
- دوستخواه، جلیل، (۱۳۷۵). *اوستا*. تهران: مروارید.
- دینوری، احمدبن داوود، (۱۳۷۲). *اخبار الطوال*. ترجمه مهدوی دامغانی، تهران: نی.
- رفاعی، احمد فرید، (۱۳۴۲). *عصر المأمون*. قاهره: دارالکتب المصریه.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۹۲۵). *تاریخ الخلفاء*. بیروت: دارالتحافه.
- صدوق، محمدبن علی (ابن بابویه قمی)، (۱۳۸۰). *عیون اخبار الرضا*. ترجمه علی اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طبرسی، فضل بن سهل، (۱۳۸۸). *اعلام السوری باعلام الهدی از زندگانی چهارده معصوم*. ترجمه محمدحسین ساکت، تهران: اساطیر.
- طبری، محمدبن جریر، (۱۳۵۲). *تاریخ طبری*. ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- طبری، محمدحسن، (۱۳۸۸). *امام رضا(ع) به روایت اهل سنت*. چاپ اول، قم: دلیل ما.
- فرای، ریچارد، (۱۳۶۳). *عصر زرین فرهنگ ایران*. ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: صداوسیما.
- فرای، ریچارد، (۱۳۷۶). *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی*. تهران: امیرکبیر.

نقش حضور امام رضا (ع) در ... ❖ ۱۵۵

❖ سال اول، شماره اول، شماره مسلسل ۱، بهار ۱۳۹۲

- فرای، ریچارد، (۱۳۸۰). *تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه*. ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر. قرآن مجید.
- قمی، شیخ عباس، (۱۴۱۷ ه.ق). *الانوار البهیة فی تواریخ الحجج الالهیه*. قم: مؤسسه نشر الاسلامیه.
- کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸). *اصول کافی*. ترجمه سیدعلی اکبر غفاری، تهران: دارالکتاب.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود، (۱۳۶۳). *تاریخ گردیزی*. تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
- مارکوارت، یوزف، (۱۳۷۳). *ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی*. ترجمه مریم میراحمدی، تهران: اطلاعات.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۳۵۶). *بحارالانوار*. ترجمه موسی خسروی، تهران: اسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق). *بحارالانوار*. جلد ۴۹، بیروت: وفا.
- محدثاریلی، ابوالحسن علی بن عیسی، (۱۳۸۱ ق). *کشف الغمّة فی معرفة الأئمة*. تبریز: بنی هاشمی.
- مستوفی، حمدالله، (۱۳۳۶). *نزّهة القلوب*. به کوشش دبیر سیاقی، تهران: طهوری.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، (۱۳۷۰). *مروج الذهب*. ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
- مظفر، محمدحسین، (۱۳۷۵). *تاریخ شیعه*. ترجمه سیدمحمدباقر حجتی، چاپ سوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۳۵۱). *الارشاد*. ترجمه محمدباقر ساعدی خراسانی، تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران: اسلامیه.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*. ترجمه علی نقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- نخجوانی، هندوشاه بن سنجر بن عبدالله، (۱۳۵۷). *تجارب السلف*. تصحیح عباس اقبال، تهران: طهوری.
- نرشخی، محمد بن جعفر، (۱۳۶۳). *تاریخ بخارا*. ترجمه قباوی، تصحیح مدرسی، تهران: توس.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق، (۱۳۴۳). *البلدان*. ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

❖ یعقوبی، احمد بن اسحاق، (۱۳۵۶). *تاریخ یعقوبی*. ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

❖ یعقوبی، احمد بن اسحاق، (۱۳۷۱). *تاریخ یعقوبی*. جلد ۲، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.

P.M. Holt,(1970). "*Al Mamun*". The Encyclopedia of Islam , vol VI.

M. Lapidus ,(1975). *A History of Islam Societies* , Cambridge University press.